

اهمیت فقرزدایی از منظر آیات و روایات

□ سید داود موسوی *

چکیده

در این مقاله تلاش شده است ضمن مفهوم شناسی دقیق فقر؛ آثار و عوامل آن در جامعه معرفی و تبیین شود و در نهایت به بررسی راههای برون رفت از آن پرداخته شده است. این تحقیق ضمن بررسی پدیده فقر در دو حوزه فردی و اجتماعی، ارتکاب معاصی خاص مانند عادت به دروغگویی، کفران نعمت، زنا و بی عفتی،... و بی تدبیری و عدم مدیریت فرصت‌ها و بهره برداری ناصحیح از منابع طبیعی را، از عوامل این پدیده نامیمن دانسته است؛ و در نهایت با الهام از آیات الهی و روایات اهل بیت (ع) موضوع پیشگیری و درمان آن را در دو محور فردی و حکومتی مورد بررسی قرار داده است...

واژگان کلیدی: فقر و فقرزدایی، عوامل ایجاد فقر، راههای درمان و پیشگیری فقر.

مقدمه

فقر به عنوان واقعیتهای انکار ناپذیر، امروزه گریبانگیر بسیاری از جوامع است. آنچه در این موضوع حائز اهمیت است؛ نوع نگاه و بینشی ما نسبت به این پدیده است. آیا فقر پدیده‌ای قهری و جبری جوامع است که از آن گریزی نبوده و ساختن و سوختن سرنوشت محتوم آن است؟ یا اینکه فقر محصول اقدامات و تصمیمات خود انسان بوده و با تغییراتی در حوزه عمل و اندیشه می‌توان از آن رهایی جسته و زندگی را بر مدار تلاش و کوشش و برخورداری از رفاه و آسایش اداره کرد.

پرواضح است که فقر از آن جمله دردهایی است که تا انسان مبتلا نشود درک کاملی حاصل نمی‌شود. پدیده‌ای ناخوشایند و نامیمون که روح و روان فرد را فرسوده و چهره ناخوشایندی در جامعه ایجاد می‌کند. پدیده‌ای که فرد را بسوی بی‌اخلاقی و کفرورزی سوق می‌دهد و جامعه را به بی‌مسئولیتی و اباحه‌گری و ابتذال می‌کشاند. در موضوع فقر و فقرزدایی - چنانکه لازم هم به نظر می‌رسد، سخن بسیار گفته شده است و راه کارهایی در برخورد با آن بیان شده و طرح و برنامه‌ها معرفی شده است؛ اما با وجود اینکه در فرهنگ اسلامی و سیره اهل بیت علیهم السلام تأکید زیادی برای مقابله با آن شده است، با تأسف بسیار امروزه شاهد هستیم این پدیده شوم دامن بسیاری را در جوامع اسلامی گرفته است. چگونه می‌توان جوامع اسلامی را از این محنت نجات داد؟ پاسخ این سؤال نیز مانند خود موضوع فقر به بررسی و مجالی وسیع نیاز دارد. از اقدامات فردی و اجتماعی گرفته تا فعالیت‌های خیرین و برنامه‌های دولت‌ها و حکومت‌ها در راستای فقرزدایی می‌توان فهرستی طولانی ارائه داد اما با وجود همه این اقدامات باز هم فقر از جوامع رخت بر نبسته است. فقر در فرهنگ اسلامی محترم نیست؛ اما فقر زدایی چنان ارزشمند است که خداوند به خاطر آن از بنده فقیر در روز قیامت عذرخواهی می‌کند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است: خداوند متعال در قیامت، از بنده مؤمنی که در دنیا محتاج و فقیر بوده، عذرخواهی می‌کند، مانند برادری که از برادرش پوزش می‌طلبد: «لِیَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْمُحْجُجِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخُ إِلَى أَخِيهِ...» (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲/ ۲۶۵) بعد می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند که تو را در دنیا برای خواری در نظرم محتاج

نکردم. سپس عوض و بدل سختی دنیا را به وی نشان می‌دهد. آن بنده می‌گوید: با این عوض که عطا فرمودی، من بابت آنچه در دنیا از من گرفتی، ضرر نکرده‌ام، یعنی خداوند تعالی چنان جبران می‌فرماید که او راضی می‌شود. آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: خداوند سبحان در قیامت، بعد از عذرخواهی از مؤمنان فقیر، به آن‌ها خطاب می‌کند: هرکس در دنیا به شما نیکی کرده، دستش را بگیرد و به بهشت در آورد. بعد هم به آن‌ها هفتاد برابر نعمت‌هایی که از آغاز تا پایان دنیا به اهل دنیا عطا فرموده، پاداش می‌دهد و آنان را راضی می‌کند. (کلینی، ۳/۶۵۰).

در این ایام که این سطور را می‌نویسم جامعه انسانی گرفتار اپیدمی به نام (کووید ۱۹) یا همان کرونا شده است. این ویروس منحوس مشکلات اقتصادی فراوانی را بر جامعه بشری تحمیل کرده است. کارخانه‌ها و مراکز تولیدی را به تعطیلی کشانده و کارگران را بیکار و خانه نشین کرده است. بسیاری افراد که در اثر این شرایط تحمیلی نیازمند شده اما با مناعت طبع و آبروداری و تعفف زندگی کردند و بسیاری افراد که با مساعدت مؤمنانه از چنین افرادی دستگیری نمودند. با توجه به اهمیت این موضوع و ابتلای بسیاری از مردم بدین مسئله نویسنده را واداشت در موضوع فقر و فقرزدایی نکاتی از دریای بیکران معارف اهل بیت علیهم السلام به رشته تحریر درآورد که به محضر خواننده محترم تقدیم می‌گردد.

۱. مفهوم شناسی

فقر عبارت است از حالت نیازمندی و نداشتن امکانات لازم برای گذران زندگی. (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین: ۱۵۱/۵) از همین ماده است واژه «فاقر» که به مصیبت عظیم و کمرشکنی اطلاق می‌شود که سنگینی آن ستون فقرات را می‌شکند. (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین: ۱۵۱/۵) فقیر صفت این واژه است که بر فرد دارای حالت فقر و نیازمندی، اطلاق می‌شود. فقر برای افراد واژه ناآشنایی نیست و سابقه آشنایی دیرینه دارد. در ادبیات قرآنی فقر از حربه‌های شیطان برای ناامیدی و انحراف مردمان معرفی شده است: «الشيطان يعدكم الفقر» (بقره/۲۶۸) شیطان با وعده فقر شما را از راه مستقیم منحرف می‌کند.

در این نوشتار ابتدا به مفهوم شناسی واژه فقر می‌پردازیم. مرادف این کلمه واژه «مسکین» است. در برخی منابع مسکین را بدتر از فقیر دانسته‌اند. فقیر یا مسکین از نگاه فقهی کسی است که توان تأمین مخارج سال خود و خانواده‌اش را ندارد. این واژه در ادبیات قرآن و روایات و منابع

اخلاقی و عرفانی تعریف‌های متفاوتی دارد. چنانکه فقها فقیر را از جهت شدت نیازمندی شدیدتر از مسکین دانسته‌اند و منشأ اشتقاق آن را «فقارالظهر» دانسته‌اند، گویا نیاز شدید ستون فقراتش را شکسته است. (مقداد بن عبد الله سیوری، حلّی، کنز العرفان فی فقه القرآن/۱/۲۳۵) و گفته‌اند فقیر کسی است که هیچ چیز ندارد در حالی که مسکین به کسی اطلاق می‌شود که دارای مختصری دارد ولی کفاف مخارج او را ندارد. (محمد بن حسن، طوسی، الخلاف/۴/۲۲۹) در آیات و روایات از عناوین دیگری نیز برای بیان حالت نیازمندی و فقر استفاده شده است. نظیر «املاق» (طوسی/همان) و «سائل» (محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب/۱۱/۳۱۹) در آیه شریفه «لَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ» (محمد/۳۶) به همین معنی آمده است. بحث مفهومی فقیر و مسکین در منابع فقهی از باب استحقاق زکات مطرح شده است و ملاک آن دو نیازمندی فرد است. به نظر برخی فقیهان فقیر شرعی کسی است که قوت یکساله خودش را ندارد یا کسی است که نصاب زکات را ندارد. (حسن بن یوسف بن مطهر، علامه حلّی، تذکره الفقهاء/۴۷۲) در برخی منابع ملاک را امری شخصی مبتنی بر رفتار شخصی قرار داده‌اند: فقیر کسی است که متعفف است و درخواست نمی‌کند برخلاف مسکین که نیاز خود را اظهار می‌کند هرچند گاه همین ملاک به صورت معکوس بکار برده می‌شود. (عاملی، محمد بن علی: ۱۴۱۱/ق/۵/۱۸۸) در قرآن کریم این واژه به همین معنی بکار رفته است؛ مانند آیات: حج/۲۸/آل عمران/۱۸۱/ قصص/۲۴؛ در این آیات خصیصه نیازمندی مورد نظر قرار گرفته است.

اقسام فقر

پدیده فقر به لحاظ معیارهای مختلف دارای تقسیماتی است. اصولاً فقر به اعتبار میزان شدت و ضعف آن یا میزان فراگیری در جامعه به فقر مطلق و نسبی تقسیم شده است؛ اما از لحاظ اینکه فقر پدیده‌ای ارزشمند است یا آنکه حالتی سراسر نامبارک و ناخوشایند؛ نظریاتی طرح شده است. برخی فقر را در مواردی که به فقر معنوی و مادی تقسیم شده است، متصف به مدح و ذم نیز قرار داده‌اند.

۲,۱. فقر ممدوح و مذموم

فقر به حسب تعلقات آن به اقسامی تقسیم شده است. از آن جمله تقسیم فقر به فقر تحمیلی و انتخابی است. فقر انتخابی می‌تواند مذموم باشد و می‌تواند ممدوح باشد. فقری که در اثر سستی و تبلی و بیکاری و هدر دادن فرصت‌ها بوجود آمده است و حاصل انتخاب‌های ناصحیح فرد است، فقری انتخابی است و مورد مذمت قرار گرفته است. چنانکه در بیان زیبای رسول خدا ﷺ؛ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، الکافی ۲/۳۰۷) منعکس شده است. در مقابل فقری که در اثر حوادث و بلایای طبیعی و گاه برای امتحان بنده و از سوی خداوند برای او مقرر شده است از آن حیث که می‌تواند باعث تکامل شخصیت فرد باشد فقری ممدوح به شمار می‌آید. چنانکه فقر به معنای نیازمندی و وابستگی مطلق به خداوند مورد تمجید قرار گرفته است؛ و نبی مکرم ﷺ با ندای رسا و بلند «الفقر فخری» (شیخ عباس قمی، سفینه البحار: ۱۳۲/۷) آن را افتخار خود دانسته‌اند. البته با دقت نظر می‌توان فهمید که درواقع هیچ گونه فقر مالی به تنهایی ممدوح نیست و احساس فقر نسبت به خداوند عین بی‌نیازی از غیر خداوند و در راستای توحید محض است.

۲,۲. فقر نسبی و مطلق

فقر را به حسب قلمرو و گستردگی دامنه و نیز بر اساس شدت و ضعف آن به فقر نسبی و مطلق تقسیم شده است؛ و تقسیم فقر به مطلق و نسبی در مقام تبیین این است که میزان شدت این پدیده را نشان دهد. فقر مطلق به ناداری و نیازمندی گفته می‌شود که دامنه آن تمام جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... را شامل است و «محرومیت و ناتوانی اعضای جامعه در دستیابی به حداقل نیازهای اساسی مانند تغذیه، پوشاک و مسکن که برای یک زندگی سالم ضروری‌اند» ملاک شناخت فقر مطلق است. در حالیکه در فقر نسبی، تأکید بر این نکته است که «افرادی فقیرند که درآمد آن‌ها به‌طور جدی، کمتر از درآمد افراد یا خانوارهای متوسطی باشد که در همان جامعه، زندگی می‌کنند». (اسماعیل چراغی، ۱۳۸۴/۲۷۵). فقر امری نسبی است به این دلیل که وضع افراد در یک جامعه معین در مقایسه با همدیگر سنجیده می‌شود و فقر نسبی یا تبعیض براساس قشرها و طبقات مختلف اجتماعی اتفاق می‌افتد. فقر در مفهوم نسبی «از

گرسنگی و در عسرت بودن تا عدم تعادل بین درآمد و هزینه» متفاوت است. عده‌ای فقر را «فقدان کالری» و فقر اقتصادی را «عدم برخورداری از حداقل امکانات معاش» می‌دانند. در برابر مفهوم نسبی، مفهوم فقر مطلق چیزی فراتر از کمبود درآمد بوده و شامل سوءتغذیه، کمبود امکانات درمانی، بهداشتی و فقدان آموزش است و سطح درآمد امکان تأمین حداقل معیشت را نمی‌دهد. واقعیت این است که فقر پدیده‌ای راکد و ایستا نیست بلکه مقوله‌ای جاری و سیلان است. فقر مالی به فقر فرهنگی منتهی می‌شود از این رهگذر به فقر اجتماعی می‌رسد چرا که جامعه‌ای که از حداقل امکانات محروم است کمتر در امور اجتماعی تأثیرگذار بوده و از تصمیم‌گیری در جهت رفاه و توسعه ناتوان‌اند. بنابر این از آنجا که فقر را می‌توان در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی جامعه مشاهده کرد، می‌توان آن را به حسب موضوعاتی که افراد جامعه با آن گرفتارند؛ تقسیم کرد.

عوامل ایجاد فقر

برای شناخت هر پدیده‌ای مهمترین و اولین گام شناخت عوامل ایجاد کننده آن پدیده است. هر فقیری می‌تواند از خود پرسد چرا من گرفتار این پدیده شوم شده‌ام؟ آیا این عوامل در خود من نهفته است یا در بیرون از شخصیت من؟ آیا این عوامل قابل رفع است یا امکان از بین بردن آن‌ها نیست؟ اگر امکان رفع آن هست، راهکار آن چیست؟ در این بخش تلاش می‌شود به این مسائل با استفاده از آیات و روایات پاسخ داده شود. مهم‌ترین این عوامل را می‌توان این‌گونه تقسیم بندی کرد. اول ارتکاب برخی معاصی که خود مصادیق مختلفی دارد. دوم عدم ایفاء وظیفه و کم کاری و عدم رعایت اولویتها و عدم مدیریت فرصتهایی که انسان در زندگی به دست می‌آورد. دوران جوانی را به امور کم اهمیت سپری نموده و از فرصت‌هایی که برای او در مسیر تحصیل و دانش و ثروت پیش روی او قرار می‌گیرد استفاده نمی‌کند.

۱،۱،۱. ارتکاب معاصی

از اموری که در آیات و روایات از عوامل فقر و محرومیت شمرده شده است گناه و معصیت است. چنانکه در قرآن کریم تصریح نموده است: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا

كَانُوا يَصْنَعُونَ» (اعراف/۹۷) در این آیه شریفه از مردمانی سخن فرموده است که در اثر معصیت و کفران نعمت الهی، گرفتار فقر و تنگدستی شدند و این عکس العمل اعمال خودشان بود. در آیه دیگری نیز به این حقیقت اشاره شده است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». (الأعراف/۹۶) اگر اهل ایمان به خدا معتقد باشند و تقوا پیشه نمایند خداند برکات آسمان و زمین را بر آنها نازل می‌کند و لکن مردمان چون تکذیب آیات الهی می‌کنند در نتیجه اعمالشان از این برکات محروم می‌شوند و گرفتار فقر و تنگدستی می‌شوند. در زمان ظهور حضرت حجت (عجل الله فرجه الشریف) که عدالت فراگیر شده و عقل‌ها کامل شده و جوامع به تکامل رسیده است بر اساس روایات زمین و آسمان برکات خود را نازل نموده و فقر و تنگدستی از زمین برداشته می‌شود. مسلم این امر در پرتو عمل به رهنمودهای آن امام همام (عجل الله فرجه الشریف) خواهد بود. در روایت بکر بن محمد الأزدی عن أبي عبد الله (عليه السلام) نیز آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنُوزِي الذَّنْبَ فِي حَرَمِ رِزْقِهِ». (بروجردی: ۱۳۸۶ ش/ ۱۴۰/۲۲) که انسان مؤمن مرتکب گناه می‌شود و به خاطر آن از روزیها محروم می‌شود. رابطه ارتکاب معاصی با محرومیت از روزیها این است که خداوند به اقتضای مالکیت بر بندگان و صفات رحمانیت و رحیمیت متکفل روزی مخلوقات اعم از انسان و غیر انسان است؛ اما انسان با سوء رفتار خود موجبات محرومیت خویش را فراهم می‌کند.

این موضوع که گناهان موجب فقر و حبس روزی می‌شود در روایات اهل بیت (علیهم السلام) مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما چند نکته حائز اهمیت است. اول اینکه گناه و نافرمانی موجب محرومیت می‌شود مراد از محرومیت معنایی عام و گسترده است. همانطور که روزی و دریافت مواهب الهی صرفاً امور مالی نبوده بلکه معنای عام و گسترده‌ای دارد که می‌تواند شامل امور معنوی نیز می‌شود. تحقق زمینه کسب معارف الهی، استاد خوب دوستان و همشینیان خوب و... همه می‌توانند در زمره روزی‌های معنوی برای فرد در نظر آید و منحصر به اموری مالی فقط نیست لکن در این نوشتار چون سخن در باب فقر مالی است و روایات بر اساس تبادل عرفی نیز همین قسم از فقر را شامل می‌شود استدلال به این گونه اخبار برای موضوع تحقیق کفایت می‌کند. نکته مهم دیگر شناخت این مطلب است که چه گناهایی دارای چنین اثری است و

موجب فقر و محرومیت از رزق و روزی می شود در مورد برخی عوامل در روایات تأکید بیشتری شده است؛ که به مواردی اشاره می شود: از جمله این موارد کفران نعمات الهی و تحقیر آن ها، عادت به دروغگویی، اسراف، زنا، عاق والدین، اظهار فقر است.

۱،۱،۲. کفران نعمات الهی و تحقیر آن ها

در این که کفران نعمت های الهی موجب سلب نعمت و محرومیت می شود از آیات و روایات متعددی از اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می شود: در سوره مابکه نحل/۱۱۲ خداوند می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». خداوند در این آیه شریفه قریه ای را به عنوان مثال مطرح می نماید که دارای امنیت و آسایش بودند و روزی فراوانی به ایشان می رسید، آنان نسبت به نعمت های الهی کفران ورزیدند، از این رو خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آنان پوشاند.

این موضوع در متون فقهی نیز مورد توجه فقها قرار گرفته است. علامه حلی در تذکره روایتی از وجود مبارک امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که از کم شمردن روزی حلال نهی فرموده است: «من استقلَّ قليل الرزق حرم الكثير». (حلی علامه: ۱۳۸۸/۱۲/۱۹۲) کسی که رزق و روزی کم را ناچیز بشمارد از روزی کثیر و فراوان محروم خواهد شد؛ و نیز عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ طَلَبَ قَلِيلَ الرِّزْقِ كَانَ ذَلِكَ دَاعِيَهُ إِلَى اجْتِلَابِ كَثِيرٍ مِنَ الرِّزْقِ [وَمَنْ تَرَكَ قَلِيلًا مِنَ الرِّزْقِ كَانَ ذَلِكَ دَاعِيَهُ إِلَى ذَهَابِ كَثِيرٍ مِنَ الرِّزْقِ]. کلینی، ۱۴۰۷ ق/ ۳۰۴ قدر شناسی روزی کم در واقع راهی برای محک زدن میزان قدرشناسی از الطاف الهی است. چنانکه در این روایت نیز به این نکته مهم اشاره شده است که تحقیر و کم شماری روزی حلال باعث محرومیت از روزی های زیاد می شود. حضرت رضا (علیه السلام) نیز در نقل روایتی فرموده است: «لَا تَسْتَقِلُّوا قَلِيلَ الرِّزْقِ فَتَحْرُمُوا كَثِيرَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق/ ۷۵/ ۳۷۴). از کم شمردن رزق و روزی پرهیزید که سبب محرومیت از فراوانی آن است.

۱،۱،۳. عادت به دروغگویی

دروغگویی از گناهان کبیره است که به شدت از آن نهی شده است و انسان دروغگو مورد لعن و نفرین خداوند سبحان و اولیاء الهی و ملائک مقرب قرار گرفته است؛ اما عنوان «کذاب»

معنای دقیقی دارد. کذاب به فردی اطلاق می‌شود که بر دروغ‌گویی عادت کرده است از گفتن دروغ ابایی ندارد ناراحت و پشیمان هم نمی‌شود. به کسی که در این حد از دروغ‌گویی آلوده شده است «کذاب» اطلاق می‌شود. کسی که به این مرحله رسیده باشد کمترین اثرش این است که اعتمادش را در جامعه از دست می‌دهد. در معاملات و اقوال و گفتارش مورد تصدیق قرار نمی‌گیرد. سلب اعتماد بلای جانسوزی است که منجر به محرومیت و تنگدستی می‌شود. روایت از امام صادق علیه السلام است: راوی پرسید آیا کذاب کسی است که در مورد یک چیزی دروغ می‌گوید؟ فرمود خیر این در مورد افراد فراوانی ممکن است رخ دهد. کذاب کسی است که طبعش بر دروغ قرار گرفته است و بدان عادت کرده است. نه کسی که در یک مورد خاص مرتکب دروغ شده باشد. عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْكَذَّابُ هُوَ الَّذِي يَكْذِبُ فِي الشَّيْءِ قَالَ لَا مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَكُونُ ذَاكَ مِنْهُ وَ لَكِنَّ الْمَطْبُوعَ عَلَى الْكُذِبِ (کلینی: ۱۴۰۷ / ۴ / ۱۳۹) ملاک این است که کذب و دروغ‌گویی را بی مهابا مرتکب می‌شود. در واقع از درک بزرگی این گناه و پیامدهای آن جاهل و بی خبر یا غافل است.

۱،۱،۴. اسراف

امام سجاد (علیه السلام) در بیان گناهایی که موجب پرده‌داری و نابودی شخصیت انسان می‌شود، فرموده است: از این گناهان اسراف است. خصوصاً اسراف که در راه باطل صورت گیرد: «ذُنُوبُ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ ... الْإِسْرَافُ فِي التَّفَقُّعِ عَلَى الْبَاطِلِ» (مجلسی: ۱۴۰۳ ق/۷۴/۳۷۶) انسان مسرف برادر شیطان، مورد لعن و نفرین خداوند، شمرده شده است. اسراف در واقع به معنای قدرشناسی از مواهب و نعمت‌های الهی است. سنت خدا بر این است که کفران کننده و هدر دهنده نعمتها را به نعمت و محرومیت مبتلا نماید. چه بسیارند افرادی که به خاطر ریخت و پاش و تبه‌برهای شان گرفتار محرومیت شدند.

۱،۱،۵. زنا و بی عفتی

بنا بر نقل مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال، امیر المومنین علی (علیه السلام) عوامل فقر را در روایتی مفصل بیان نموده است. از جمله آن‌ها زنا و بی عفتی معرفی شده است: «وَالزَّنا يورثُ الْفَقْرَ» (ابن بابویه/ ۱۳۶۳ ش/ ۵۰۵) براساس اطلاق عبارت یاد شده مراد از این جمله

می‌تواند هم شیوع این عمل زشت در جامعه باشد و هم می‌تواند در مورد زندگی فردی افرادی که مرتکب چنین اعمالی می‌شود، باشد. بی‌بند و باری جنسی عبارت اخرای بی‌حیایی فردی اجتماعی است و حیا در اسلام از ارکان اسلام است قوم و ملتی که به این مصیبت گرفتار آمده است با دست خود راه انحراف و بدبختی را هموار کرده است.

۱,۱,۶. عاق والدین

در برخی آیات قرآن خداوند اطاعت از والدین را در ردیف عبادت خود قرار داده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ، وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء/ ۲۳) و پروردگار تو حکم کرد که جز او را نپرستید و پیدر و مادر نیکوئی نمائید و چنانکه یکی از آن‌ها یا هر دو نزد تو پیر و سالخورده «که باعث زحمت و رنج شود» گردند اف «سخن بتنگ آمده» بایشان مگو و بانگ بر آن‌ها مزن و با آنان نیکو سخن گو و از روی رحمت و مهربانی با ایشان فروتنی نما و بگو پروردگارا آن‌ها را پیامرز چنانکه مرا در کودکی پروراندند. چنین تعبیری نشانه عظمت و بزرگی جایگاه والدین است. بالطبع در طرف مخالف یعنی نارضایتی والدین هم همین مسئله قرار دارد که کسی که مورد عاق والدین قرار گرفته باشد، به سخط و غضب الهی گرفتار می‌شود؛ و نارضایتی پروردگار کمترین اثرش در ماندگی و محرومیت از مواهب الهی است.

۱,۱,۷. اظهار فقر و ناداری

از خصلت‌های ناپسند برای انسان مؤمن نالیدن، شکوه داشتن و اظهار نارضایتی از نعمتهای موجود است. برخی با وجود برخورداری از مواهب الهی زبانشان مرتب به شکایت و ناخرسندی باز می‌شود. کمترین اثر این خصیصه این است که از بی‌همتای و بی‌اراده بودن صاحب آن حکایت دارد چنانکه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «إظهار الفاقة من خمول الهمة» (ابن أبی الحدید: ۱۴۰۴ ق/ ۲۰/ ۳۱۷) اظهار ناداری از بی‌همتای است. از این مسئله گاه در روایات با عنوان «تفاقر» تعبیر شده است یعنی خود را به فقری زدن که رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ» (راوندی: ۱۴۰۷ ق/ ۱۱۹) هر کس خود را به فقری بزند دچار فقر خواهد شد. خداوند دوست دارد وقتی به کسی نعمتی عطا کرد، اثر آن را در

او ببیند. چنین صفتی گاه انسان را به تکدی می‌کشاند و نقش تکدی در افزایش فقر قابل انکار نیست؛ امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «درخواست از دیگران کلید فقر است» نفس راضی شدن به درخواست از دیگران مرحله اول ناداری است. در مقابل این خصیصه صفت ارزشمند «تعفف» است یعنی خودداری کردن از اظهار فقر که در قرآن کریم از صفت فقیران واقعی و مؤمن بیان شده است.

بی‌تدبیری و از دست دادن فرصت‌ها

یکی دیگر از عوامل ایجاد فقر در زندگی انسان عدم مدیریت امکانات، زمان‌ها و فرصت‌ها است. در این نوشتار به برخی از این عوامل که در روایات اهل بیت بیان شده است اشاره می‌شود. عدم بهره‌برداری از منابع طبیعی، عدم رعایت مقررات صحیح زندگی روزمره مانند خواب بین طلوعین و قطع رحم و از این امور است که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۳،۲،۱ عدم بهره‌برداری از نعمت‌های طبیعی و خدادادی

بر اساس فرهنگ اسلامی کار و تلاش در حکم جهاد در راه خدا است. به فرموده پیامبر ﷺ کسی که برای روزی خود و خانواده‌اش تلاش می‌کند، در اجر و ثواب مانند مجاهد فی سبیل الله است؛ و خود نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) خود در این راه پیش قدم بودند. پیامبر ص اهل کار و زحمت بود؛ و نه جزء از ده جزء ایمان را کسب روزی حلال معرفی کرده بود. امیر المومنین (علیه السلام) خود کشاورزی می‌کرد و چاه‌ها حفر نموده و آن را وقف نموده است. می‌فرمود: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (شیخ حر عاملی ۱۴۰۹ ق/۱۷/۴۱)^۴ هرکس آب و خاک کافی در اختیار داشته باشد ولی دچار فقر و تنگدستی باشد، از رحمت خدا بدور است. در سخن زیبای دیگری فرمود: «مَنْ كَسَلَ عَمَّا يَصْلُحُ بِهِ أَمْرٌ مَعِيشَتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لَأَمْرِ دُنْيَاهُ» (کلینی ۸۴/۵) هرکس در تأمین معیشت خود تنبل باشد، خیری از دنیا نمی‌برد. امامان بعدی نیز همین سیره را در پیش گرفتند. امام باقر (علیه-

السلام) در گرمای تابستان حجاز بیل به دست می‌گرفت و در زمین کشاورزی کار می‌کرد. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ يَغْضُ الْعَبْدَ النَّوَامُ الْفَارَغُ»^۵ بنده‌ای که زیاد می‌خوابد و کار نمی‌کند، مبعوض خداوند عزوجل است. راوی می‌گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم. ایشان سراغ شخص دیگری را گرفتند و گفتند: فلانی چه می‌کند؟ گفتم: او صالح است، کسب و کار و تجارت را رها کرده و به عبادت روی آورده است. می‌گوید: امام «علیه السلام» سه مرتبه فرمودند: «عَمَلُ الشَّيْطَانِ»؛ این عمل از شیطان است. با این تعالیم ناب و این تفکر بلند این سؤال به ذهن نقش می‌بندد که واقعاً مشکل از کجاست که در میان مخاطبین این پیام‌ها این همه فقر و تنگدستی مشاهده می‌شود؟ جواب این پرسش واضح است؛ که فلاح و سعادت انسان در گرو میزان تلاش و کوشش او است. باید بینش جامعه در مورد کار تغییر کند؛ و جوان بیکار باید در وهله اول بیکاری را امری منفور و عار و ننگ بدانند. به بهانه‌های واهی از انجام برخی کارها که به ظاهر درآمد کمتری دارد سرباز نزنند. کار امری مقدس بشمار آید و نشانه رشد و بالندگی باشد. نه نشانه درج‌زدگی و عقب ماندگی. کار انسان بر اساس نیاز جامعه و علاقه فردی شکل بگیرد. نه بر اساس صرف مدرک، درآمد، جایگاه، رانت و وجهه اجتماعی افراد در اجتماع.

۳،۲،۲. بی‌نظمی و عدم رعایت مقررات در زندگی

از تأثیرات ناخوشایند تکنولوژی و دنیای صنعتی بر زندگی انسان امروزی این است که روال زندگی به سمت و سوی ناسالمی سوق داده شده است. این انفعال و تأثیر هم در نوع و کیفیت تغذیه ما و هم در سلوک روزانه آثار خود را نشان داده است. امروزه بسیاری از خانواده‌ها تا پاسی از شب به تماشای فیلم و سریال تلویزیون و ماهواره، پرسه در کانالهای دنیای مجازی و دورهم نشینی‌های بی هدف و... می‌گذرانند. گذشته از تأثیرات مختلف و نامطلوب این عوامل بر زندگی انسان بی‌تردید یکی از آثار آن را در رزق و روزی انسان می‌توان مشاهده کرد. عدم توفیق در اداء واجبات، استخفاف واجبات الهی، عدم استراحت کافی از جمله این امور است. در روایات بر سحرخیزی و بیداری بین الطلوعین تأکید شده است؛ و یکی از عوامل فقر خواب بین الطلوعین شمرده شده است؛ دعا در وسعت رزق تأثیر فراوان دارد اما برخی از زمانها و مکانها

^۵ همان.

در این تأثیر نقش بیشتری دارد، از جمله آن اوقات، سحر و بین الطلوعین است که در روایات معصومین (علیهم السلام) به آن توجه شده است:

حسین بن مسلم می‌گوید: به امام باقر (ع) گفتم جانم فدایت آن‌ها [اهل سنت] می‌گویند: خواب بعد از فجر مکروه است، چرا که روزی‌ها در این وقت تقسیم می‌شود. «فقال: الارزاق موزونة مقسومة، والله فضل يقسمه من طلوع الفجر الى طلوع الشمس، وذلك قوله: «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (نساء/۳۲) ثم قال: وذكر الله بعد طلوع الفجر ابلاغ في طلب الرزق من الضرب في الارض» (عیاشی: ۱۳۸۰/۱۲۴۰) روزی‌ها معین و تقسیم شده است و خدای را فضل و زیادتی است که آن را از طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می‌کند و این فرموده اوست که: «از خدا فضل او را بخواهید» امام (ع) سپس فرمود: ذکر خدا بعد از طلوع فجر در تحصیل روزی مؤثرتر است از سفر کردن و کوشیدن. به همان اندازه که خواب بین طلوعین باعث تنگدستی و سلب مواهب الهی می‌شود، اشتغال به کارهای خیر در جلب آن مؤثر است.

یکی دیگر از اموری که به نظر می‌رسد در کمبود رزق و روزی مؤثر است و زندگی صنعتی جدید در آن بی‌تأثیر نیست، عدم اهتمام به صله رحم و نیکی به خویشاوندان است. شاید در باور بعضی افراد ارتباط فقر زدایی و توسعه روزی با مسئله صله ارحام و ارتباط با خویشاوندان قدری مشکل به نظر برسد! اما بر اساس تعالیم اسلامی و معارف اهل بیت (علیهم السلام) در موضوع رزق و روزی عوامل مادی و معنوی هردو دارای تأثیراند. چه بسیار افرادی را می‌شناسیم که از جایی که گمان نمی‌بردند نصیب روزی فراوان شدند. در زندگی کار خاصی نکرده‌اند ولی به امور معنوی مانند رسیدگی به امور والدین و بستگان اهتمام داشتند. ممکن است در اثر همین اعمال، زمینه جلب مواهب الهی را در زندگی خود ایجاد کرده‌اند... اگر قدری نگرش خود را در خصوص اسباب رزق و روزی و عوامل توسعه آن ارتقاء بخشیم و نگاه خود را صرفاً معطوف عوامل مادی و محاسبات دنیایی و تأثیرگذار بودن عوامل مادی ننماییم، قدرت، اراده و تقدیر الهی را در این خصوص پررنگ‌تر خواهیم دید... صله رحم چنانکه در افزایش و نقصان عمر مؤثر است در وسعت و ضیق رزق و روزی نیز مؤثر است. اصولاً بر اساس سنت الهی هر عملی را خداوند دارای اثری قرار داده است که ممکن به ظاهر ترتب چنان اثری بعید به نظر برسد به مثال، انجام فریضه حج و اداء زکات مالی اعم از واجب و مستحب سبب زیادی رزق بیان شده است؛ و لو که در ظاهر ممکن است انسان این امور را سبب فقیر شدن بشمارد. بر اساس روایتی امام باقر (علیه السلام) فرموده‌اند: «صلة الأرحام تزكي الأعمال و تتمي الأموال و

تدفع البلوی و تیسر الحساب و تنسی فی الأجل» (کلینی: ۱۵۰/۲/۱۴۰۷) صله رحم باعث پاکی اعمال رشد و نمو اموال و دفع بلا و آسان شدن حساب و تأخیر اجل انسان می‌شود. برخی فقهاء در تفسیر این حدیث فرموده‌اند مراد از تزکی الأعمال این حدیث این است که صله رحم سبب رشد و نمو اموال می‌شود که وسعت روزی را به دنبال دارد. یا اینکه مراد این است که صله رحم سبب پاکی اموال از نقص و کمبودی می‌شود. (مازندرانی: ۱۳۸۲/ق/۹/۷) چنانکه امیر المومنین (علیه السلام) صله رحم را سبب زیاد مال معرفی کرده است: «صِلَةُ الرَّحِمِ مَثْرَاءٌ لِلْمَالِ» (برقی: ۳۷۱/ش/۱/۲۹۰) و در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: هیچ خانواده‌ای صله رحم نمی‌کند، جز اینکه خداوند روزی را بر آن‌ها جاری می‌نماید و آن‌ها در تحت حمایت خداوند هستند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسَالَهَ فِي عُمْرِهِ وَيُوسَعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَصِلْ رَحِمَهُ» (بروجردی: ۱۳۸۶/ش/۸۸۸/۲۶) هر کس دوست دارد که عمرش طولانی و روزی‌اش زیاد شود، تقوای الهی پیشه کند و صله رحم نماید. به هر حال این عوامل را نمی‌توان در زندگی بی تأثیر دانست زیرا ادله عقلی و نقلی بر صحت آن فراوان است و به خاطر عدم اطاله کلام به همین اکتفا می‌کنیم.

راه‌های پیشگیری و درمان فقر

رهایی از پدیده‌ای مانند فقر می‌تواند دارای دو مرحله مهم باشد. مرحله اول پیشگیری و عدم ابتلا به آن است. مرحله دوم درمان و خلاص شدن از آن است. البته در این موضوع ممکن است نظرات متعددی مطرح شود. هر کس حتی کسانی که اعتقادی به خدا و دین ندارند ممکن است در مسیر فقرزدایی دارای ایده‌هایی باشند. چنانکه طی قرون حال و گذشته مکاتب گوناگون ماتریالیستی و سوسیالیستی در این زمینه با قدرت تمام نظرات خود را مطرح و حتی تلاش کردند به آن‌ها جامه عمل ببوشانند. در این نوشتار به خاطر عدم ظرفیت این تحقیق بنا نداریم در این موضوع وارد شویم و مسئله را صرفاً از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴،۱ پیشگیری

مراد از پیشگیری عدم ایجاد زمینه‌های تحقق فقر در زندگی فردی و اجتماعی است. در باب پیشگیری و گرفتار نشدن در دام پدیده فقر در وهله اول به عنوان ساده‌ترین راه می‌توان به عدم ایجاد عوامل بوجودآورنده آن اشاره کرد. در این موضوع اموری مطرح است که از عوامل ایجاد

فقر نیست بلکه در نقطه مقابل آن از عوامل افزایش رزق و روزی است. عمل به آن‌ها نه تنها دور ماندن و مبتلا نشدن به فقر و تنگدستی است بلکه زمینه وسعت رزق را نیز فراهم می‌کند. در روایات به این امور اشاره شده است. ذیلاً به بخشی از آن‌ها پرداخته می‌شود: صدقه دادن، زیاد استغفار کردن، اهتمام به حفظ امانت دیگران، خوش‌رویی و رعایت موازین اخلاقی، اهتمام به وظایف محوله، هجرت و سفر را می‌توان در زمره این عوامل مذکور در روایات برشمرد.

۱،۱،۸. اهتمام به برخی اذکار و ختومات

در روایات از آثار برخی از اذکار و ختومات عدم ابتلا به فقر شمرده شده است. داستان صحابی جلیل‌القدر رسول خدا (ص)، عبدالله بن مسعود با خلیفه زمانش معروف است که چگونه عطای خلیفه را رد نمود و اضافه کرد: به دخترانم سفارش کرده‌ام که سوره مبارکه واقعه را زیاد بخوانند تا مبتلا به فقر نشوند. (طبرسی: ۱۳۷۲ ش/ ۳۲۱/۹) در این میان برخی از اذکار مانند ذکر استغفار و برخی از اعمال مانند صدقه دادن مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. البته باید به این نکته توجه داشت که همان‌گونه که در تقسیم بندی فقر گذشت فقر اقسامی دارد که هر کدام دارای مراتب و اقتضائات جداگانه‌ای است.

۱،۱،۹. صدقه دادن

در روایات متعددی به این حقیقت اشاره شده است که صدقه دادن سبب فزونی رزق می‌شود: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (قَالَ: اسْتَزِلُّوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ) (کلینی: ۱۴۰۷ ق/ ۳/۴) امام هفتم شیعیان (علیه السلام) در این روایت می‌فرمایند: رزق و روزی را با صدقه دادن به دست آورید. این مسئله اشاره دارد به اینکه خدمت به بندگان خدا خصوصاً مساعدت مالی موجب جلب رحمت الهی برای خود انسان می‌شود. ضمن این که وسعت رزق را نیز در پی دارد. نگارنده از اساتید اخلاق مکرر شنیده است که دستگیری از نیازمندان در حال تنگدستی صدقه دهنده می‌تواند به‌طور شگفت‌انگیزی موجب گشایش در امور به‌ویژه رزق و روزی شود.

۱،۱،۱۰. هجرت و سفر

قرآن کریم توصیه اکید دارد به هجرت و سفر و اهداف مختلفی نیز برای آن بیان کرده است که شاید مهم‌ترین آن‌ها آشنایی با مظاهر آفرینش الهی و عبرت از آن‌ها در مسیر خداشناسی است؛ اما مسلم است که یکی از اهداف ترغیب به مسافرت گشایش رزق و روزی است. وَآخِرُونَ

يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَنْتَعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ (مزم/۲۰)؛ و گروهی دیگر در زمین سفر می‌کنند و در پی روزی خدا هستند و نیز در سوره مبارکه قریش که از کوچ زمستانی و تابستانی سخن رفته است و هدف از آن هم افزایش روزی در اثر مسافرت است.

۴,۲. راه‌های درمان فقر

درمان فقر به معنای چاره سازی و خلاص شدن از وضعیت نیازمندی افراد فقیر است. ممکن است حالت فقر ابعاد گوناگون و علل مختلف داشته باشد؛ و درمان آن نیز اقتضائات گوناگونی را ایجاب نماید؛ اما به طور کلی می‌توان این مسئله را در این چارچوب بررسی کرد که رفع فقر و خلاصی از آن نتیجه تعامل سه عنصر مهم فرد، دولت و جامعه است. هریک از این عناصر می‌تواند در مسیر فقرزدایی، نقش اساسی ایفا نمایند. در این خصوص اختصاراً به عناصر فردی، اجتماعی و حاکمیتی اشاره می‌شود.

۴,۲,۱. فعالیت‌های فردی

بر اساس تعالیم قرآن کریم که هرگونه تغییر اعم از امور معنوی و مادی در گرو تغییر خود انسان است. تغییر در رفتار و کردار می‌تواند به تغییر در سرنوشت منجر شود. قرآن سنت الهی را چنین تبیین نموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (الرعد ۱۱/۱) پدیده فقر و خلاصی از آن نیز به همین سنت الهی وابسته است. برآستی که سستی و تبلی و کم کاری نتیجه‌ای جز فقر و فلاکت ندارد. انسان همیشه در گرو اعمال و زحمات خویش است. عقل و شرع نیز بر این حقیقت تأکید ورزیده‌اند. بنابر این برای اولین گام در فقرزدایی باید بینش افراد تغییر کند. کار و فعالیت امری مقدس و بی‌کاری، ننگ و عار محسوب شود. در مرحله دوم از عوامل که برای ایجاد فقر بیان شده و در این مختصر نیز ما بخشی از آن را برشمردیم، به شدت پرهیز شود و در مقابل به عواملی که باعث افزایش رزق و روزی می‌شود توجه شود. کشاورز و کاسب و استاد و مهندس و همه اقشار جامعه نسبت به پرداخت حقوق واجب مستمندان بی توجه نباشند. در برخی آیات و روایات رابطه مستقیم بین نزول رحمت الهی و فقرزدایی بیان شده است. اگر

بندگان خدا از پرداخت زکات به عنوان حق واجب مستمندان خودداری نمایند بر اساس روایات خداوند نیز باران رحمت خویش را از منطقه به منطقه دیگری منتقل نموده و چنین قومی را محروم خواهد ساخت. مرحله سوم به کارکردهای تجربی دیگران توجه شود و از تجربیات آنان استفاده شود که این مرحله به فعالیتهای جمعی افراد مرتبط است.

۴،۲،۲. فعالیتهای جمعی

برای زدودن غبار فقر و تنگدستی از جامعه یکی از عناصری که نقش تعیین کننده دارد فرهنگ حاکم بر جامعه است. در صدر اسلام اغلب مؤمنین فقیر بودند اما نبی مکرم اسلام (ص) با توسعه فرهنگ اسلامی و قرآنی جامعه را به وضعیت مطلوب رساند. پیامبر ص ریشه‌های بخل و حرص را معرفی کرد و بر آنها وعده عذاب داد و ضمن تبیین معنای دقیق قناعت و استفاده درست از امکانات خدادادی، آحاد جامعه را تحریص و تشویق کرد تا به قدر توانشان دستگیر برادران ایمانی خویش باشند. این گونه بود که مهاجران رانده شده مکه وقتی به مدینه رسیدند مورد استقبال انصار در مدینه قرار گرفته و گرفتار فقر و نداری نشدند.

در زندگی صنعتی امروزی نیز فعالیت جمعی و برنامه‌هایی با هدف فقرزدایی که از سوی مراکز خیراندیش صورت می‌پذیرد نقش بسزایی در فقرزدایی دارد. طبق برخی آمارها در برخی از شهرهای بزرگ مانند اصفهان تعداد مراکز خیریه که به صورت مستقل در مسیر مساعدت به مستمندان فعالیت دارد به بیش از چهارصد مرکز می‌رسد؛ اما در این موضوع به یک نکته با اهمیت اشاره می‌شود که برآستی چه زیبا بود که فعالیت جمعی افراد جامعه چه در قالب مراکز خیراندیش مردمی و مستقل از حاکمیت حتی در قالب نهادهایی که متولی وجوهات شرعی است مانند دفاتر مراجع عظام تقلید (ایدهم الله تعالی) که امورات عام المنفعه نیز فراوان انجام داده‌اند، به سمت و سوی فقرزدایی از جامعه سوق داده می‌شد؛ و از موازی کاری و شخصی سازی این امر که چندان مثمر ثمر نیست، اجتناب می‌شد. تاکید بر این نکته است که همه صاحب نظران اثرگذاری در کار جمعی را به مراتب بیشتر از کارهای جزئی و شخصی می‌دانند. برای پدیده ناخوشایندی چون فقر که محصول تصمیمات و برنامه‌های چندین ساله است باید برنامه ریزی دازمدت ارائه داد. این مسئله حتی از نظر برون دینی برخی صاحب نظران تنها راه رهایی از پدیده شوم فقر را، توسعه اقتصادی پایدار از طریق ایجاد زمینه‌های اشتغال و درآمدزایی

در جامعه فقرزده می‌دانند. از این رو به شدت به کشورهای توسعه یافته توصیه می‌کند تا می‌توانند در گسترش ایجاد کارخانجات صنعتی در کشورهای فقیر اهتمام بورزند.^۶

۴،۲،۳. فعالیت‌های دولتی

درمان فقر بخش عمده آن به دولت و حاکمیت بر می‌گردد؛ که با برنامه ریزی، نظارت و اقدامات عملی خود در جهت فقرزدایی، چهره جامعه را از این پدیده نامیمون و ناخوشایند پاک سازد. دولت باید نظام اجتماعی را به گونه‌ای سازماندهی کند که فاصله طبقات اجتماعی آنقدر زیاد نشود که عده‌ای به ثروت انبوه و عده‌ای به نان شب محتاج باشد. دولت می‌تواند نظام اقتصادی سالم برپا نماید تا کسی به اختلاس و دزدی آلوده نشود. دولت می‌تواند با برنامه‌های تأمین اجتماعی و ایجاد اشتغال و تعالی فرهنگی جامعه بر این مشکل فائق آید. اولین گام مهم در این راه میزان توجه و اهتمام کارگزاران به این مقوله است. اگر زمامداری خود طعم تلخ این بلیه را نچشیده باشد، بعید است بتواند گامهای مؤثر در این زمینه بردارد. زمامدار جامعه اسلامی مانند امیرالمؤمنین علیه السلام است که وقتی دید پیرمردی مسیحی از فرط فقر و ناداری دست به گدایی زده، برآشفته که چرا وضع او بدین منوال باشد؟ زمامدار جامعه اسلامی باید مانند امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به مصرف بیت المال حساس باشد. تا عده این با حیف و میل آن به ثروت انبوه نرسد. چنانکه آن حضرت فرمود: «اگر خلافت را قبول کنم اموالی را که به روش غیر اسلامی به بعضی افراد رسیده است، مصادره می‌کنم حتی اگر آن مال در قباله نکاح زنان درآمده باشد» ابن ابی الحدید: ۱۴۰۲ ق/۱/۲۶۹ دولتی که دغدغه فقرزدایی نداشته باشد، نمی‌تواند گام‌های عملی و مؤثر در این بخش بردارد. نمونه‌های فراوانی از این دست حکومت‌های خودکامه را در تاریخ معاصر فراوان سراغ داریم. در کشورهایی که ثروت و منابع ارزشمند ملی فقط در دست خاندان پادشاهی و طبقه‌ای خاص از حاکمان است، مقوله‌ای چون فقرزدایی مضحکه است. سخن در این مقال بسیار است که مجال آن در این مختصر نیست.

^۶ از جمله این افراد می‌توان به پنج‌مین پاول نویسنده کتاب «گریز از فقر، بیگارگاهها در اقتصاد جهانی» اشاره کرد که در کتابش از این نظریه دفاع می‌کند.

در پایان شایسته است از روح بلند و ملکوتی بزرگمرد تاریخ معاصر حضرت امام خمینی یاد کنیم که با پایه‌گذاری نظام مقدس جمهوری اسلامی اسوه‌ای ماندگار در مسیر فقرزدایی به یادگار گذاشت. امام راحل فقرزدایی را شعار نمی‌دانست بلکه یکی از آرمانهای انقلاب می‌دانست. چنانکه امروز خلف صالحش رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (حفظه الله) بارها مهمترین دغدغه‌شان را مبارزه با فقر اعلام کرده است: «مبارزه با فقر و فساد و تبعیض...، هر روز که می‌گذرد، اعتقاد بنده به این مسئله (مبارزه با فقر و تبعیض) راسخ‌تر می‌شود».

نتیجه‌گیری

حاصل این تحقیق نشان می‌دهد که فقر اقتصادی سرنوشتی محتوم برای انسان نیست، بلکه پدیده و حالتی است که در نتیجه عملکردها و رفتارهای خود انسان بوجود آمده است. این پدیده به عوامل ایجادیه که در این تحقیق به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است، وابسته است. بی‌تدبیری و بی‌نظمی در کارها، کفران نعمات الهی، ارتکاب برخی معاصی خاص، عدم بهره‌برداری از امکانات طبیعی و خدادای بخشی از این عوامل است. فقرزدایی، عملی مقدس و مورد احترام است که در آیات الهی و احادیث اهل بیت (ع) در دو حوزه فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. در این دو حوزه پیشگیری از این پدیده به عدم تحقق عوامل و عدم ایجاد زمینه‌های آن بستگی دارد. در فقرزدایی ضمن این که مسؤولیتی بر دوش فرد و افراد جامعه نهاده شده است، وظایفی بر عهده زمامداران جامعه اسلامی قرار داده شده است تا ثروت جامعه اسلامی در اثر بی‌تدبیری، هدر نرود. فاصله طبقاتی بوجود نیاید؛ و جامعه به طبقه ضعیف و غنی تقسیم نشود.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید - قم، اول، ۱۴۰۴ ق
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، - قم، اول، ۱۳۶۲ ش
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار - قم: اول، ۱۴۰۳ ق
۴. ابن منظور، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب دار الفکر، بیروت سوم، ۱۴۱۴ هـ ق
۵. فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ناصر خسرو: تهران ۱۳۷۲ ش
۶. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشيعة (للبروجردی) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش.
۷. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۳ ش،
۸. بیانات رهبری در دیدار با دولت مردان مورخه ۱۳۸۱/۶/۴ khamenei.ir/۱۳۹۹/۹/۱۵
۹. چراغی اسماعیل، مجله حدیث زندگی فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، شماره ۲۲ مقاله فقر و نابه
هنجاری‌های اجتماعی، ص ۲۷۵؛ مجموعه مقالات گردهم آیی بررسی فقر و فقرزدایی، ج ۱، تهران:
سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵
۱۰. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکرة الفقهاء مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم -
ایران، اول، ۱۳۸۸ هـ ق
۱۱. حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، انتشارات مرتضوی، قم، اول، ۱۴۲۵
هـ ق
۱۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ق
۱۳. راهیدی، خلیل بن احمد کتاب العین، هجرت، قم، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق
۱۴. راوندی، قطب الدین، دعوات الراوندی - سلوة الحزین، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم اول،
۱۴۰۷ هـ ق

۱۵. صادقی تهرانی محمد، **البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: ۱۴۱۹ ق
۱۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **الخلاص**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۷ هـ ق
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن: **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش
۱۸. عاملی، محمد بن علی، **مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام**، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، اول، ۱۴۱۱ ق
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران، ۱۳۸۰ ق
۲۰. **الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام** - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. قمی، شیخ عباس، **سفينة البحار**، اسوه، قم، اول، ۱۴۱۴ ق
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی (ط - الإسلامية)** - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، **شرح الکافی**، المكتبة الإسلامية، تهران؛ ج ۹؛ ص ۷، ۱۳۸۲ ق
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار** بیروت پدوم، ۱۴۰۳ ق
۲۵. **مجله حدیث زندگی**، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، شماره ۲۲ مقاله فقر و نابهنجاری‌های اجتماعی، ص ۲۷۵
۲۶. **مجموعه مقالات گردهم آبی بررسی فقر و فقرزدایی**، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵